

فرااتهران



«ابوفاضل (ع)» هنوز دارد برادری می‌کند



او را «ابوفاضل» می‌خوانند. «حامی الدخیل» می‌دانند و با خصلت «ابوالکلفات» می‌شناسندش. «عباس(ع)» در بین مردم اینجا نامی است که می‌تواند در تاریک‌ترین لحظه‌ها، روشنایی روز را برای جان‌های به لب رسیده به ارمغان بیاورد و مردم اینجا، او را به این گره‌گشایی‌ها، به این روشنایی‌ها می‌شناسند

کامله بوعدار
خبرنگار



هنوز هفت صبح نشده است، اینجا عین دو و امروز هفتم محرم و «یوم‌العباس» است؛ خیابان‌ها سپاه‌پوش است. زن و مرد، کوچک و بزرگ، پیر و جوان همه رخت سیاه بر تن کرده و در خیابان اصلی عین دو مهیای مراسم «یوم‌النعش» می‌شوند؛ روزی که پیکر نمادین حضرت ابوالفضل(ع) را تشییع می‌کنند. جمعیت مردان عزادار از خیابان نه عین دو (از حسینیه حضرت ابوالفضل‌العباس علیه‌السلام) وارد خیابان اصلی می‌شوند. قرار است تا خیابان یک، در دسته‌های عزاداری حرکت کنند. زنان در دو طرف خیابان، سینه‌زنان ایستاده‌اند.

مردم این دیار، بیوندی دیرینه با صاحب این روز دارند و از دیرباز گره‌های کور زندگیشان را به دستان او سپرده‌اند. قرن‌ها است دلشان به نامش که روی علم‌ها و ریاضت‌ها لرزه بر اندام حرامی‌ها انداخته، قرص است. او را «ابوفاضل» می‌خوانند. «حامی الدخیل» می‌دانند و با

خصلت «ابوالکلفات» می‌شناسندش. «عباس(ع)» در بین مردم اینجا، نامی است که در بن بست‌ها می‌توان به او دخیل جست. در تاریک‌ترین لحظه‌ها، نام «ابوفاضل» توانسته روشنایی روز را برای جان‌های به لب رسیده به ارمغان بیاورد و مردم اینجا، او را به این گره‌گشایی‌ها، به این روشنایی‌ها می‌شناسند. مردان عزادار در دسته‌های متعدد دور هم جمع شده و از زبان حال حضرت زینب(س) سر می‌دهند: «یا عباس وین الوعد ویای، مو انت انکول الظعن یحمای، موهاذ الوعد چان، جیتونه من الاوطان، ما تکعد تشوف شصار بیه» (برادرم، عباس وعده‌ای که به من دادی چه شد؟ مگر نگفتی کاروان در حمایت من هستند؟ قرار ما این نبود. ما را از وطن مان به اینجا آوردید. بیدار نمی‌شوی ببینی به چه حال و روزی افتاده‌ام؟) زن‌ها گریه می‌کنند.

مردها دوباره می‌خوانند: «ما عدهم حمیه القوم و شریب توزیع می‌کنند. برخی اسپند دود می‌کنند و زناتی هم هستند که محلول معطر آب و گل میخک در دست گرفته و بر سر و دست زنان عزادار می‌پاشیدند. مردان و زنان زیادی، پای برهنه به مراسم آمده‌اند؛ این یک رسم قدیمی در بین طوایف عرب است که در عزای عزیز خود، پای برهنه به مراسم می‌آیند. خانم مسنی که سر خود را گل مالیده و با پای برهنه عزاداران را

هنوز هفت صبح نشده است، اینجا عین دو و امروز هفتم محرم و «یوم‌العباس» است؛ خیابان‌ها سپاه‌پوش است. زن و مرد، کوچک و بزرگ، پیر و جوان همه رخت سیاه بر تن کرده و در خیابان اصلی عین دو مهیای مراسم «یوم‌النعش» می‌شوند؛ روزی که پیکر نمادین حضرت ابوالفضل(ع) را تشییع می‌کنند. جمعیت مردان عزادار از خیابان نه عین دو (از حسینیه حضرت ابوالفضل‌العباس علیه‌السلام) وارد خیابان اصلی می‌شوند. قرار است تا خیابان یک، در دسته‌های عزاداری حرکت کنند. زنان در دو طرف خیابان، سینه‌زنان ایستاده‌اند. مردم این دیار، بیوندی دیرینه با صاحب این روز دارند و از دیرباز گره‌های کور زندگیشان را به دستان او سپرده‌اند. قرن‌ها است دلشان به نامش که روی علم‌ها و ریاضت‌ها لرزه بر اندام حرامی‌ها انداخته، قرص است. او را «ابوفاضل» می‌خوانند. «حامی الدخیل» می‌دانند و با

همراهی
می‌کند،

می‌گوید: هر سال

در یوم‌العباس(ع) شرکت می‌کنم و به‌خاطر غم بزرگ این روز، پای برهنه هستم. هر ساله در این روز غذا پخت می‌کنیم. بعد درحالی که بر سر می‌زنند، شعر می‌خواند و گریه می‌کند: «یخویه حسین هلیونه ینهبون، یخویه حسین و اخیمنه یجرجون، یخویه حسین باطفاله یسلبون، چالیش

یا اهلنا ما تکعدون» (برادرم حسین، سپاه دشمن برای غارت به سمت ما هجوم آورده است. خیمه‌های ما را آتش می‌زنند و کودکان را می‌زدند. چرا بر نمی‌خیزید؟) در مراسم اربعین هم همه ساله در پیاده روی شرکت می‌کنم. هیچ‌وقت در پیاده‌روی اربعین، کفش به پا نمی‌کنم. یکی دیگر از زنان که از کوچ‌های فرعی خود را به مراسم می‌رساند، می‌گوید: همه این مردم، محب اهل بیت(ع) هستند. طوایف مختلف در این مراسم شرکت می‌کنند. «والنعم ابوفاضل» هر سال برای حضرت ابوالفضل(ع) غذای نذری می‌پزیم. در تمام ده روز محرم در عین دو، مراسم بزرگی برگزار می‌کنیم و در روز عاشورا تعزیه‌خوانی اجرا می‌شود. مراسم یوم‌العباس تا عصر ادامه دارد.



کشد. حضرت ابوالفضل(ع) خیلی تلاش کرد برای کودکان آب بیاورد اما او را شهید کردند. یکی دیگر از عزاداران می‌گوید: ما اهالی عین دو، کوچک و بزرگ، پیرو اهل بیت(ع) هستیم و این پیروی از روی محبت و دوستی است. از وقتی هلال محرم را رؤیت می‌کنیم تا اربعین حضرت اباعبدالله(ع)، این طور در خدمت اهل بیت(ع) هستیم. حسینیه‌های ما مشغول پخت نذری هستند و هر کس به اندازه توان خود به زائران خدمت می‌کند. ما هم یک حسینیه داریم که در خدمت زائران است. از حضرت اباعبدالله(ع) می‌خواهیم جوانان ما را به راه درست و مسیر امیرالمؤمنین(ع) هدایت کند.

عزادار دیگری گفت: یوم‌العباس، روز بزرگی است. حضرت ابوالفضل(ع) نور چشم ما است. در این روز حضرت، دو دست خود را به اباعبدالله(ع) تقدیم کرد. آیا برادری مثل برادری حضرت عباس(ع) داریم؟ روز شهادت

حضرت ابوالفضل(ع) روز بزرگی است. بعد سرش را بلند می‌کند و می‌گوید ابوالفضل(ع)، «حامی الدخیل» (حمایتگر کسانی که به او پناه می‌جویند).

جمعیت عزادار، نه خیابان را سینه‌زنان آمده و از زبان حضرت زینب(س)، تنهایی خود را با قوم ظالم و ستمگر با حضرت عباس(ع) درد دل می‌کند. پیکر نمادین روی دوش مردان حرکت می‌کنند. در طول مراسم، خیلی‌ها به آن تبرک می‌جویند. در پایان مسیر، برخی از مردان که نذر دارند، گوسفندها را برای قربانی به زمین می‌زنند. جمعیت می‌ایستند و سینه‌زنی می‌کنند. نعش یا پیکر نمادین به حسینیه‌ای در خیابان سوم منتقل می‌شود. زنان چنانکه عزیز خود را از دست داده گردآگردان می‌نشینند و نوحه سر می‌دهند. از زبان حال حضرت زینب(س) می‌خوانند و گریه می‌کنند. خانه‌های مردم عین دو در یوم‌العباس، فاتحه دارد.

احمد شماخه از فعالان فرهنگی عین دو که کفن‌پوش در مراسم یوم‌العباس شرکت کرده می‌گوید: همه طوایف امروز زیر یک بیرق هستند و آن بیرق آقا حضرت ابوالفضل(ع) است. قدمت این مراسم به سال ۶۴ برمی‌گردد. حرکت عزاداران از صبح امروز از خیابان ۹ عین دو (حسینیه حضرت ابوالفضل(ع)) شروع می‌شود. در طول مسیر، بسیاری از مردم نذر خود را اعم از غذا، آب، شربت، میوه و... بین عزاداران توزیع می‌کنند.

در این روز، حسینیه فاطمه زهرا(س)، ۱۲ گوسفند برای یوم‌العباس سر می‌برد و دو هزار و پانصد پرس غذا بین عزاداران توزیع می‌کند. بانوان عین دو غذا را طبخ می‌کنند.

حرکت عزاداران تا خیابان اول عین دو ادامه پیدا می‌کند. عزاداران در طول این مسیر، شعر خاصی را که مرثیه حضرت ابوالفضل(ع) است همراه با سینه‌زنی زمزمه می‌کنند. وقتی برمی‌گردند همراه با یزله، شعار «عباس اشرب مای اعیونی» (یحسین مریح یضلوعی) سر می‌دهند و وارد حسینیه‌ای که حرکت از آنجا شروع شد، می‌شوند. مجدد در آنجا مستقر می‌شویم و سینه‌زنی می‌کنیم.

در پایان مراسم، همه مردم در خانه خود را به روی اهالی و سایرین باز می‌کنند و غذای نذری می‌دهند و از آنها پذیرایی می‌کنند. مراسم یوم‌العباس در عین دو، صبح و عصر برگزار می‌شود. مراسم عصر راهیات ساقی عطاشا کربلا برگزار می‌کند. قدمت این مراسم به سال ۱۳۲۸ برمی‌گردد.

جمعیت عزادار راهی را که آمده باز می‌گردد و همچنان زیر آفتاب داغ پیش از ظهر در عزای «ابوفاضل» علمدار کربلا بر سینه می‌زنند. مویه‌های سوزناک زنان گردآگرد نعش، پاهای برهنه، پیشانی‌های گل‌مالی شده و بغض‌هایی که با نام «ابوفاضل» چنگ بر گلو می‌کند. مردم می‌زنند، همه شهادت می‌دهند نام «ابوفاضل» هنوز هیبت روزهای عاشورا را دارد. «ابوفاضل» هنوز دارد برادری می‌کند، هنوز از عهده گره‌های سخت، فقط او بر می‌آید و مردم اینجا «حامی الدخیل» خود را خوب می‌شناسند.